

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارائه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارائه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به [GOOGLE PLAY](#) و [APP STORE](#) نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



Azizi Bank Master Card



www.azizibank.af

1515



یاد داشت روز صفحه ۲

از موافقت نامه‌ی سیاسی تا تفاهم نامه‌ی دندغوری

در اوج تنش‌های تازه میان اشرف غنی و عبدالله، ارگ گفته است پیش‌نویس اصلاح‌شده‌ی قانون انتخابات نهایی شده و جهت بحث نهایی و تصویب در نشست بعدی کابینه فرستاده می‌شود. رئیس حکومت وحدت ملی مصوبه‌ی کابینه را طی فرمانی تقنینی توشیح و صادر خواهد کرد. قبل از تیرگی روابط میان ارگ و اجراییه، حکومت گفته بود کار در خصوص فرمان اصلاحات جریان دارد. پس از آن‌که دومین فرمان اصلاحات انتخاباتی از سوی پارلمان رد شد، حکومت نظریه‌ی کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی را در مورد فرمان اصلاحات انتخاباتی دریافت کرد. این مشوره سرنوشت فرمان تقنینی اصلاحات را که از سردرگمی رنج می‌برد، روشن کرد...



برشنا: طالبان در مناطق ناامن پول صرفیهی برق را جمع‌آوری می‌کنند

صفحه ۲

به قویترین سیگنال‌ها دسترسی داشته باشید!

از سریعترین اینترنت 3G استفاده نمایید

16GB

در بدل 1800 افغانی

مکت اعتبار: ۳۰ روز
برای اشتراک: 16GB رایبه ۱۵۱ ارسال نمایید





ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

یک شرکت افغانی، توسط افغانها، برای افغانها

۱۵۲

جشن خانوادگی و افسانه‌ی استقلال

عمران راتب

کشوری که درازای تاریخ استقلال و رهایی آن هنوز به یک قرن نرسیده، امروزه نمی‌داند چه روزی را باید برای آن جشن بگیرد و ناگوارتر از آن، از روزی که تجلیل می‌کند، نمی‌داند چرا باید این کار را بکند. در چنین وضعیتی، مگر فرقی می‌کند که دیگر بلاهت‌های ما در چه سطحی قرار دارد و چرا باید به‌خاطر تحمیق مردم دست به شرح و روایت افسانه‌های پنج و شش هزار سال قبل زد؟ حرف زدن از وحشت سکندر و هیبت نیاکان افسانه‌ی، کار پیره‌زنان است که نواسه‌های‌شان را باید با آن در خواب غرق کنند. آن چه که ضرورت فوری امروز ماست و یاری‌مان می‌رساند از این سرگردانی و اسکیزوفرنی تاریخی نجات یابیم، خبر آوردن از فسانه‌ی سکندر ذوالقرنین و فسون نیاکان موهوم و مجعول و از این دست تخیلات پیشاتاریخی نیست، تشخیص روز استقلال ماست که کم‌تر از یک قرن عمر دارد، کم‌تر از فقط یک قرن!



تحریر تاریخ قبل از هر امری، وابسته به اتفاقاتی است که پس از واقعه‌ی که موضوع تحریر است، رخ می‌دهند و این اتفاقات است که واقعه‌ها را می‌بلعد. حالا تاریخی که واقعه‌ی در آن گم شده و غول‌های جعل و نسبان از دل آن سر برآورده، دوباره باید این واقعه‌ها را بازپس دهد و تنها با بازیابی آن چه از دست رفته و حذف شده و با حذف آن چه بر واقعه‌ها نقاب کشیده، نشانه‌گذاری درست سالروز استقلال کشور ممکن می‌شود، استقلالی که در فرایند بازیابی باید از نو تعریف گردد و وضعیت فعلی نیز در آن مشخص گردد. چه این که اینک با محو واقعه، ما درست نمی‌دانیم که منظورمان از استقلال و خودارادیت چیست و چگونه باید با آن برخورد کرد. زیرا نحوه‌ی تعامل و برخورد با موضوع و پدیده‌ی را، حقیقت و واقعه‌ی آن موضوع و پدیده تعیین می‌کند نه ذهنیت ما. اما بازیابی تاریخ و بازتعریف رخدادها تاریخی، چندان ساده نیست. این بازگشت می‌بایست طوری صورت بگیرد که هسته‌ی اصلی خطا و جعل شناسایی گردد. البته که با نگاه به وضعیت کنونی، این امر ده‌چندان دشوار می‌نماید. بازیابی تاریخی زمانی امکان‌پذیر است که دست‌کم زمان حاضر دارای صورت‌بندی و تعریف درستی باشد؛ چیزی که اکنون ما آن را در اختیار نداریم. فراموشی امری است و تحریر تاریخ امری دیگر. اما این دو را نباید کاملاً از هم جدا در نظر گرفت. واقعه‌ها و اروانه می‌شوند تا موقعیت انسان دیگرگون گردد و در دیگرگونی موقعیت، نخستین چیزی که رخ می‌دهد، نابودی حافظه و زبان است. به‌بیان درست‌تر: این واقعه‌های زندگی است که خاطره و زبان روایت آن خاطره را برمی‌سازد، و در صورت تغییر واقعه، خاطره فاقد وجه دلالت‌گری می‌شود و زبان بی‌گانه. یعنی در وارونه‌سازی واقعه‌ها که فاجعه ترجمه‌ی سرراست آن است - حافظه‌ی تاریخی و زبان بازیابی واقعه‌های تاریخ دست‌کاری می‌شود. انسانی که تنها سلاحش در مواجهه با تاریخ و امر واقع، زبان و حافظه‌ی آن است، زمانی که از دل یک وارونه‌سازی بیرون می‌آید، دیگر هیچ چیزی در خاطر ندارد و حتا هیچ ابزاری هم برای بیان این فراموشی خود در اختیار ندارد. از این منظر، تاریخ اغلب با فاجعه مورد جعل و تحریر قرار می‌گیرد، تا حافظه‌ی تاریخی انسان محو گردد و در امحای حافظه، انتظار هر نوع ویرانی و تباهی بدون بازخواست و بازپرسی را باید منتظر بود؛ چیزی که ما عملاً داریم آن را تجربه می‌کنیم. زنده‌یاد احمد کسروی در «تاریخ مشروطه‌ی ایران» نوشته است: «یکی از گرفتاری‌های ایرانیان است که تاریخ خود را فراموش می‌کنند.» و حالا به‌نظر می‌رسد که بیشتر از ایران، این حرف در مورد افغانستان صادق است. کشوری که درازای تاریخ استقلال و رهایی آن هنوز به یک قرن نرسیده، امروزه نمی‌داند چه روزی را باید برای آن جشن بگیرد و ناگوارتر از آن، از روزی که تجلیل می‌کند، نمی‌داند چرا باید این کار را بکند. در چنین وضعیتی، مگر فرقی می‌کند که دیگر بلاهت‌های ما در چه سطحی قرار دارد و چرا باید به‌خاطر تحمیق مردم دست به شرح و روایت افسانه‌های پنج و شش هزار سال قبل زد؟ حرف زدن از وحشت سکندر و هیبت نیاکان افسانه‌ی، کار پیره‌زنان است که نواسه‌های‌شان را باید با آن در خواب غرق کنند. آن چه که ضرورت فوری امروز ماست و یاری‌مان می‌رساند از این سرگردانی و اسکیزوفرنی تاریخی نجات یابیم، خبر آوردن از فسانه‌ی سکندر ذوالقرنین و فسون نیاکان موهوم و مجعول و از این دست تخیلات پیشاتاریخی نیست، تشخیص روز استقلال ماست که کم‌تر از یک قرن عمر دارد، کم‌تر از فقط یک قرن!

شمشیری در کمر، سخن‌رانی داغ و پرشوری را ایراد کرد که در آن رسماً گفته شد: «بعد از این مملکت من مانند سایر دولت‌ها و قدرت‌های جهان آزاد است.» و نیز در همین سخن‌رانی تاریخی بود که گفت: «به هیچ نیروی خارجی به اندازه‌ی یک سر مو اجازه داده نخواهد شد که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید گردش را با این شمشیر خواهم زد.» و خطاب به سفیر هند، با قاطعیت پرسید: «آیا چیزی را که گفتم، فهمیدی؟» سفیر هند پاسخ می‌دهد: «بلی، فهمیدم» (لودویک آدمک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان از امیر عبدالرحمان تا استقلال).

تا این‌جا می‌بینیم که هیچ ربط و نسبتی میان این رویدادها و تاریخ‌ها و ۲۸ اسد که سال‌های زیادی است استقلال کشور را در دل آن تعبیر می‌کنند، وجود ندارد. دوازده سال بعد از استقلال رسمی کشور، برای نخستین‌بار، در زمان نادرخان بود که از ۲۸ اسد به‌عنوان روز استقلال افغانستان تجلیل شد. کمی بعدتر از آن، نادرخان تاریخ بی‌تقویم دیگری را که از بیست الی بیست‌وهشت ماه اسد ادامه داشت، به‌بهانه‌ی استقلال، به خوش‌باشی و عیاشی خانوادگی اختصاص داد تا این‌که در حکومت ظاهرشاه این حلقه شکل خاص‌تری به‌خود گرفت و موعد آن به ۶ جوزا تحویل داده شد. صرف به‌دلیل این‌که گویا در جنگ سوم افغان - انگلیس، نادرخان استقلال از دست‌رفته‌ی کشور را در ششم جوزا دوباره به ارمان آورده بود. آن چه که در این اتفاقات مشاهده می‌شود، فقدان کامل و مطلق یک دید درست و صادقانه از تاریخ و ماجراهای تاریخی است که در پس اختلافات و غریزه‌ی سلطنت‌طلبی خانوادگی خاندان شاهی محو و نابود گردیده است. نادرخان در مخالفت با امان‌الله خان، برای این‌که هیچ پیوندی میان او و استقلال کشور باقی نگذارد، مناری را در پای کاخ سلطنتی خود اعمار کرد و با این کار، به‌شکل مسخره‌یی حتا زمان و مکان دو عنصر تعیین‌بخش تاریخ بشراند و اگر این دو را از تاریخ کسر کنیم، دیگر تاریخ و نه تنها تاریخ، بلکه هیچ معنایی وجود نخواهد داشت. علی‌رغم این بدرفتاری‌های خاندان شاهی علیه تاریخ، اما ایمان تاریخی مردم کاملاً محو نشد. حالا می‌بینیم که از میان کتاب‌های تاریخ، آن‌هایی که رنگ تعلق به دربار را از خود سترده و از جبر زر و زور به‌هر طرفی رهایی یافته، هیچ‌یک ۲۸ اسد را به‌عنوان سالروز استقلال کشور به‌رسمیت نمی‌شناسند. محض نمونه، میر غلام‌محمد غبار (افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول)، ۲۴ حمل را که همان تاریخ درست و واقعی سخن‌رانی امان‌الله خان است و صدیق فرهنگ نهم ۹ حوت را که تعیین و مناسبتش در بالا آورده شد - روز استقلال کشور ذکر کرده‌اند. اما باور دیگری هم که به‌نظر نمی‌رسد وجه مشترکی با جشن خانوادگی نادرخان و اخلافتش داشته باشد، بر ۲۸ اسد منبخت روز استقلال افغانستان تأکید می‌ورزند. مبنای منطق این باور نیز پیمانی است که در سال ۱۲۹۸، بین وزیر داخله‌ی وقت کشور و وزیر خارجه‌ی هند آن زمان امضا شد و به‌نام پیمان راولپندی شهرت یافت. بر سر تاریخ واحد این پیمان نیز اجماع‌نظری وجود ندارد. شماری آن را ۱۷ اسد و شماری دیگر ۲۸ اسد می‌دانند. طرفه آن‌که، در متن این پیمان، هیچ اشاره‌ی به استقلال افغانستان نشده است. (غبار، افغانستان در... جلد اول: ۷۷۵-۷۹۰).

از موارد فوق بر می‌آید که سالروز استقلال افغانستان، در واقع یک تاریخ گم‌شده است و آن چه که ۲۸ اسد را به آن نسبت می‌دهد، فاقد ارجاع به واقعه‌ی تاریخی است که حالا اندک‌اندک در میان این همه آشفتگی، حیثیت یک افسانه را کسب کرده است. افسانه دارای بصیرت تاریخی نیست. در افسانه نه زمان معنای خاصی دارد و نه مکان.

جورجو آگامبن، فیلسوف ایتالیایی، در کتاب «وضعیت استثنایی» فهم ساده‌ی جنگ داخلی را چنین صورت‌بندی می‌کند: «جنگ داخلی اگر چه از خانه ناشی نمی‌شود، اما در منطقی مشابه با وضعیت استثنایی، معرف استانه‌ی است که امر غیرسیاسی، یعنی خانه، سیاسی شده، و امر سیاسی خانوادگی یا اقتصادی می‌شود. به‌عبارت دیگر، آن‌جا که جنگ داخلی است، برادر تمایز خود را با شهروند، غریبه با آشنا، و خانه با شهر مطلقاً از دست می‌دهد.»

اما انگار چیزی را در حاشیه‌ی این گفتار باید علاوه کرد: در جنگ و نابه‌سامانی داخلی، تاریخ نیز دست‌کاری شده و تعینش را از دست می‌دهد. با این حال، در وقت جنگ داخلی، خانه نه‌فقط عرصه‌ی شکاف و ستیز که پارادایمی برای مصالحه و آشتی عمومی نیز است. به‌عبارتی، جنگ داخلی نه‌فقط حد غایی سیاسی شدن نسبت برادران، بلکه برادرانه شدن روابط شهروندان هم است. حقیقت جدی‌تر اما، این است: آن‌جا که نسبت‌ها و تمایزها از میان می‌روند، مفهائیم برادر و شهروند نیز از معنای خود تهی می‌شوند.

جنگ داخلی همچون میانجی‌ی عمل می‌کند که به‌واسطه‌ی آن برادر خونی در سطحی کلان جای خود را به برادر سیاسی می‌دهد و نام واقعی سیاست در این عرصه، خشونت است. در جمهوری ایده‌آل افلاطون، پس از نابودی خانوادگی طبیعی هرکس به «برادر یا خواهر، پدر یا مادر، پسر یا دختر» دیگری تبدیل می‌شود. آگامبن به نیکول لورو ارجاع می‌دهد که بر بخشی از کتاب افلاطون انگشت می‌گذارد که به جنگ داخلی آتنی‌ها در ۴۰۴ قبل از میلاد اشاره دارد: «آتنی‌ها هرگز جنگ داخلی را پیش نمی‌بردند مگر برای بازیابی خویش در لذت یک جشن خانوادگی.»

و اینک این «جشن خانوادگی» در افغانستان طوری رقم خورده است که نه به جنگ داخلی پایان بخشیده و نه اساساً تاریخ این جنگ و ویرانی را به‌صورت دقیق آن، کسی می‌داند. بسیار شنیده‌ایم که می‌گویند افغانستان و جاپان، در یک روز استقلال خود را گرفتند. به‌لحاظ گاه‌شمارانه، این تقویم مبنای تاریخی درستی ندارد، ولی آن چه که فعلاً دست‌مایه‌ی این سخن شده است، اتفاقی است که در سال ۱۳۵۸ خورشیدی رخ داد. (اما این‌که این اتفاق از چه منبعی آب خورد، می‌گوئیم در ادامه صورت خلاصه و بریده‌شده‌ی آن را بیان کنیم). در آن سال، روزنامه‌ی دولتی «انیس» زیر نظر دولت دموکراتیک خلق، با چاپ عکسی از سخنرانی معروف امان‌الله خان در میدان مرادخانی، ۲۸ اسد را به‌عنوان سالروز استقلال کشور معرفی کرد. پس از این تاریخ بود که افغانستان کمر شکسته، با آن‌که هر روز بیشتر از روز قبل در درون ویرانی و تباهی غرق می‌شد، اما گویا چیزی در گوشه‌ی از حافظه‌ی جمعی مردمش جا خوش کرده بود که خشونت نقد و حاضر زندگی‌شان را با یک خوش‌بینی نسیه و به‌نسیان‌رفته، درهم می‌آمیخت و آن چیز، همین پدیده‌ی افسانه‌ی ۲۸ اسد بود. اکنون که کشور پس از چندین سال سوختن در آتش جنگ‌های داخلی زمین‌گیرکننده، نه تعریف و تصور درستی از استقلال خارجی در ذهن مردمانش باقی مانده و نه تصویر فهم‌پذیری از وضعیت داخلی، در ناآگاهی مطلق از تاریخ به‌سر می‌برند؛ به‌هر ترتیب، چیزی که اکنون به‌مثابه یک سنت مقدس (در واقع مجعول و مجهول) باقی مانده، یک «جشن خانوادگی» کاملاً بی‌اساس و فاقد بنیه‌ی تاریخی است.

امان‌الله خان پس از جلوس بر تخت و فرستادن نامه‌ی به چلمسفورد فرماندار کل هند، که از استقلال خارجی و داخلی افغانستان در آن سخن رفته بود، در روز ۹ حوت سال ۱۲۹۷ طی اعلامیه‌ی استقلال کشور را رسماً اعلام کرد. سپس در روز ۲۴ حمل سال ۱۲۹۸ در حضور سفیر هند بریتانیایی در میدان مرادخانی، با

زند

بودن شرم نیست



ما همه می دانیم که زن بودن در افغانستان سخت است و کودکی دختران بی رحمانه کوتاه. شاید اکثر فامیل‌ها برای دخترانشان تا هفت سال اول اجازه دهند مانند یک کودک زندگی کنند اما بعد از آن، دختر تبدیل می شود به ناموس و عزت خانواده و حق کودکی را از دست می دهد. اگر چه از هفت سالگی تا دوران بلوغ به اندازه‌ی یک دنیا فاصله وجود دارد اما بعضی از فامیل‌ها از همین سن به نامزد کردن و قید کردن دخترانشان شروع می کنند. ما حتا ازدواج دختران هفت ساله را هم دیده ایم. دختر باید از سن هفت شروع به چادر پوشیدن کند و او دیگر نمی تواند بازی کند و به ندرت اجازه دارد از خانه تنها بیرون شود. از همین سن محدودیت او شروع می شود.

وقتی دختران بالغ می شوند، قیدگیری‌ها و اعمال محدودیت ده برابر می شود، اما خود دختران حتا در مورد این که بلوغ فیزیکی چیست چیزی نمی دانند. در جامعه‌ی ما هنوز هم صحبت در مورد عادت ماهوار ننگ است و دختران در این مورد آموزش نمی بینند. گپ زدن در مورد عادت ماهوار با دختران یک امر شرم آور به حساب می آید و اگر دختران در این مورد گپ بزنند «چشم سفید» خوانده می شوند. این باعث می شود که دختران بابت «زن بودن» خود و چیزهای طبیعی بدن خود احساس خجالت کنند. مثلاً به یادم است در یکی از صنف‌های بیولوژی استاد نظر به درس برای دختران درباره‌ی سن بلوغ و دوران قاعدگی می گفت. استاد در میان حرف‌هایش گفت: «این دوران را همه سپری می کنیم و یک امر طبیعی است و هیچ شرمی ندارد»، اما یکی از شاگردان بلافاصله زیر لب زمزمه کرد: «این دوران، دوران شرمناکی است».

چرا باید شرم کنیم؟ مانند اکثر دختران افغان، برای من هم اوایل دوران بلوغ ساده نبود اما مادرم قبل از سن بلوغ با ملایمت و مهربانی با من گپ زده بود تا وقتی بدنم دچار تحول شد تعجب نکنم و هراسان نشوم. مادرم یک زن تحصیل کرده است و مدت زیادی به حیث معاون داکتر کار کرده است. به همین دلیل او می دانست چگونه با من گپ بزند.

مادرم برای این که مرا در مورد تغییرات بدنم آگاه و برای آن‌ها آماده کند، قبل از قبل به من گفته بود که نباید از بدن خود بشرمم. مادرم به من تذکر داد که اگر سوال دیگری داشتم، او مانند یک دوست آماده است که جواب بدهد.

صحبت‌های مادرم همیشه آویزه‌ی گوشم بود و هیچگاه حتا روزی که برای اولین

بار عادت ماهوار را تجربه کردم، احساس شرمناکی نکردم زیرا لحن و طریقه‌ی صحبت کردن او مملو از مهربانی بود. برای بعضی مادران صحبت کردن در مورد عادت ماهوار ساده نیست. یک تعداد خودشان احساس شرمناکی می کنند. یک تعداد معلومات کافی برای قانع ساختن دخترانشان و پاسخ دادن به سوالاتشان ندارند و خودشان هم شاید در دوران بلوغ تجربه‌ی خوبی نداشته‌اند. بعضی از دختران و حتا پسران وقتی بدنشان شروع به رشد می کند، دچار افسردگی می شوند چون فکر می کنند با کسی نمی توانند در مورد تغییرات بدنشان صحبت کنند و این احساس تنهایی مشکلات روحی دیگر را باعث می شود. عدم معلومات دختران از صحت جنسی‌شان گاهی حتا باعث می شود آن‌ها به صورت درست از خود مواظبت نکنند و دچار امراض متفاوت شوند.

با وجود همه‌ی این مشکلات ضروری است تا با دختران خود در مورد بدنشان و صحت‌شان صحبت کنیم. در جریان صحبت‌های خود باید مواظب باشیم تا کلماتی را استفاده نکنیم که باعث شود دختران ما افسرده و گوشه‌گیر شوند و یا احساس شرم کنند. مثلاً نباید به دختران بگویم در جریان عادت‌شان آن‌ها ناپاک هستند. عادت ماهوار کسی را مرءرد نمی کند بلکه یک وجه طبیعی از مؤنث بودن است. باید به دختران خود این را یاد بدهیم چون آن‌ها در اوایل شاید احساس ترس کنند و به

این دلیل، به روحیه و قوت قلب ضرورت دارند.

یک نکته‌ی دیگر که باعث ایجاد شرم در دختران جوان می شود عدم دسترسی‌شان به زیرپوش زنا و نوار بهداشتی است. هنوز هم در کشور ما زیرپوش و دیگر مواد مورد ضرورت زنان روی سرک‌ها در کراچی‌ها توسط مردان فروخته می شوند. بعضی از زنان نمی خواهند از سرکراچی جلو مردان، نزد فروشنده‌ی مرد بروند و زیرپوش زنانه بخرند، اما دیگر چاره‌ی ندارند. گاهی هم وقتی زنان جرات می کنند به نزد کراچی بروند با آزار و اذیت مواجه می شوند. چند سال قبل با یکی از اقوام ما بازار رفته بودم. او از ناچاری رفت سر کراچی تا برای خود زیرپوش بگیرد. من شاید ده ساله بودم، اما متوجه شدم مردی از کنار کراچی رد شد و دوباره برگشت تا مزاحمت کند. آن مرد کوشش می کرد بدن زنان را لمس کند و فروشنده که متوجه هم شده بود چیزی نمی گفت. شاید اگر زیرپوش زنان در سر سرک نمی بود و یا فروشنده زن می بود آن مرد به خودش اجازه نمی داد این گونه رفتار کند.

یادداشت: این مطلب بر اساس همکاری دوجانبه میان روزنامه‌ی اطلاعات روز و وبلاگ دختران رابعه به نشر رسیده است. دختران رابعه یک مرجع مستقل می باشد و تعلق به روزنامه‌ی اطلاعات روز ندارد.

جنرال نعمت الله خلیل، فرمانده هنگ / Regiment سوم قول اردوی ۲۱۵ ارتش افغانستان گفت: «همین که پولیس متحمل تعدادی تلفات شدند، ۲۷ پسته را یکی پس از دیگری بدون جنگ ترک کردند، و پسته‌های ما به دلیل غفلت محاصره شده بودند.» او گفت: «دشمنان هر جایی را که گرفته بودند، مابین گذاری کرده بودند، همین موضوع سرعت ما را کند ساخته است. نیروهای پولیس در خطوط مقدم جبهه می جنگند به همین دلیل بیش از دیگر نیروها متحمل تلفات سنگین شدند.»

برای حل این مشکل، ایالات متحده در طول ۵ سال گذشته نزدیک به یک میلیارد دالر پول به دولت افغانستان اهدا کرده است. به گفته‌ی سرمفتش خاص برای افغانستان (سیگار)، پایگاه‌های پیشین، اعم از کوچک، پایگاه‌های تاکتیکی مبارزه تا پایگاه‌های عملیاتی همه به دولت افغانستان اهدا شدند؛ زیرا قانوناً نمی توانستیم این‌ها را به دولت افغانستان بفروشیم.

از سال ۲۰۰۱ که امریکا به افغانستان حمله و طالبان را سرنگون کرد، گنجره‌ی امریکا نزدیک به ۱۱۳ میلیارد دالر برای بازسازی این کشور اختصاص داده است. از ۱۱۳ میلیارد دالر اختصاصی کنگره نزدیک به ۶۰ درصد آن برای آموزش و تجهیزات نیروهای امنیتی افغانستان به مصرف رسیده است.

گروه طالبان در ماه اپریل اعلام کرد که حملات سالانه‌ی فصل تابستان خود را آغاز کرده است و در پانزدهمین سال جنگ خود با ایالت متحده قول حملات بیشتر را داد. حملاتی که در نهایت منجر به تصرف مناطق بیشتر به دست طالبان می شود، هر چند نه به وسعتی که قبل از مداخله‌ی امریکا در اختیار داشتند. علی‌شاه خان یک بزرگ قومی در ولسوالی سنگین گفت: «هشدارهای زیادی به دولت افغانستان داده شده بود، اما گوش کسی بدهکار نبود، به همین دلیل است که طالبان بیش از نیمی از این ولایت را تصرف کرده است. بدون رهبری خوب و همکاری میان نیروهای امنیتی، آن‌ها زمینه را برای طالبان مهیا می کنند تا قلمرو بیشتری را تصرف کنند.»

بر اساس گزارشی که وزارت دفاع به گنجره فرستاده است، برای متشنج شدن بیشتر اوضاع داعش در افغانستان در حال گسترش است. هدف جدید در نزدیکی ولایت خراسان و ولایت ننگرهار است آن‌چه که داعش عراق از آن به عنوان ولایت خراسان داعش یاد می کند.

داعش در طول چند ماه تقریباً تمامی مناطقی را تصرف کرد که امریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ در اختیار ایالات متحده بود. بازی در خاورمیانه چنان سریع برگشت که رسانه‌ها و وزارت دفاع از توانایی بیان و مقابله با آن را نداشتند. پس، پاسخ این پرسش چیست؟ خب، بارک اوباما اعلام کرده است که برای افغانستان طرح جدیدی ندارد و تصمیم جنگ ۱۶ ساله را رییس جمهور بعدی خواهد گرفت.



ارتشی که توسط امریکا آموزش دیده

به سرعت در حال از دست دادن مناطقی در جنوب افغانستان است

برگردان: علی احمدی

منبع: تاوان هال / جاستین هالکامب

است، در دفع حملات سریع و پیش‌رونده‌ی گروه طالبان و تسلط آن‌ها بر منطقه، دوران سختی را می گذرانند. بر اساس گزارش نیویورک تایمز، نیروهای منظم پولیس و ارتش افغانستان در ایستادگی در برابر طالبان ناکام بوده‌اند. این امر به‌طور جدی محتمل است که طالبان شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند را مورد تاخت‌وتاز قرار دهد.

وقتی قرار است کشوری مورد حمله قرار گیرد، قلب و روح مردم‌اش به‌دست آورده شود و پس از آن اقدام به آموزش یک نیروی جنگی ورزیده، سازمان‌یافته و بسیار موثر شود، در این مورد هیچ‌کسی بهتر از ایالات متحده نیست. با این‌وجود دیده می شود که وضعیت در ولایت جنوبی هلمند افغانستان، خیلی خوب پیش نمی رود. ارتش افغانستان که توسط امریکایی‌ها آموزش دیده

چهارشنبه

سخن سخیدهاتاف

نجدید بیعت با مجدد

به نظر من، وقت آن رسیده که با حضرت مجددی تجدید بیعت کنیم. عبدالله و اشرف غنی شاید حاکمان توانایی باشند و کمالات بسیار داشته باشند. اما یک عیب بزرگ هم دارند و آن این است که ما هیچ نمی‌فهمیم چه کار می‌کنند. یکی در ارگ نشسته و دیگری در سپیدار. این به آن اعتماد ندارد و آن به این. هر فکری که به‌خاطر اصحاب ارگ برسد سپیداری‌ها خرابش می‌کنند و هر خیالی که در خاطر سپیداریان بگذرد، اصحاب ارگ زیرش آب جاری می‌کنند که پا نگیرد.

در چنین وضعیتی ما به کسی نیاز داریم که خاطر ما را جمع بسازد و از همان راهی جمع بسازد که دوست داریم. به این معنا که مثلاً خوابی ببیند و در آن خواب به او وحی یا الهام شود که حال مملکت خراب است و او باید دست به کار شود و زود استخاره‌ی صورت بدهد و اوضاع نابه‌سامان را سامان ببخشد. حضرت مجددی می‌تواند چنان کسی باشد و در گذشته این ظرفیت را در خود نشان داده. خوبی حضرت این است که هر نوع فرمایش خیرخواهانه برای مملکت را می‌پذیرد. یعنی رویاها و استخاره‌های او انعطاف‌پذیرند و می‌توانند به گونه‌ی عیار شوند که از درون‌شان خیر مملکت درآید. در همین انتخابات قبلی وقتی که اشرف غنی گفت که راهنمایی حضرت صاحب برای او بسیار ارزشمند است، ناگهان استخاره‌ی حضرت صاحب به این نتیجه رسید که رای دادن به دکتر عبدالله فاجعه است. البته استخاره‌های بعدی نشان دادند که عبدالله رییس اجرایی خوبی می‌شود. حالا به‌نظر من چند تن از اولیاء برونند و از حضرت صاحب تمنا کنند که استخاره کند از این پس چه کار شود خوب است. بعید است استخاره‌ی ایشان جواب بدهد که بروید آقای کرزی را بیاورید. ولی اگر چنان هم شد، ما گردن می‌نهیم دیگر. مگر می‌توان در برابر استخاره ایستاد؟ من شخصاً به یاد دارم که کسی رفته بود پیش یکی از اولیاء و از او خواسته بود که استخاره کند که او پسر خود را ختنه بکند یا نکند. استخاره جواب داده بود که وی پس از آن که یک بوجی آرد به خانه‌ی اولیای مذکور آرد، برود و پسر خود را ختنه کند. آن شخص بدون اجرا کردن آن قسمت کار رفت و پسر خود را ختنه کرد. اولیای مذکور خیلی ناراحت شد و از خدا خواست که آن پسر بپندد. باور نمی‌کنید چه روزی به سر آن پسر آمد. شش متر تکه برایش تنبان نمی‌شد. مثل کپسول گاز شده بود آن. بگذریم.

این چیزها را آسان نگیریم. برویم پیش ایشان و از ایشان تمنا کنیم که یا خودشان به داد ملک و ملت برسد یا آقای کرزی را بیاورد (از طریق قانونی استخاره) یا یک دعا کند که خاکستر شویم. وضع ما خیلی خراب است.



پدیده‌ی تغییر اقلیم

وسازگاری با آن در افغانستان

محمد شعیب خاکساری

کونانسیون، اعضای آن به این نتیجه رسیدند که هدف اساسی کونانسیون که در بالا به آن اشاره شد، بسنده نیست. بحث‌های متعاقب کنفرانس منتج به پیمان کیوتو Kyoto Protocol شد که در آن کشورهای صنعتی مکلف به کاهش ۵٪ در میزان دافعات سبزخانه‌ی خود در مقایسه با سال ۱۹۹۰ میلادی شده‌اند. باید تذکر داد که ایالات متحده‌ی آمریکا با وجودی که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کربن‌دای‌اکساید است، از تصویب این پیمان ابا ورزیده است. آخرین کنفرانس اعضای کونانسیون از تاریخ ۳۰ نوامبر تا ۱۲ دسامبر سال ۲۰۱۵ میلادی در پاریس برگزار شد. محصول کنفرانس توافق‌نامه‌ی پاریس است که در آن روی هدف محدود ساختن میزان گرمایش زمین به پایتیر از ۲ درجه‌ی سانتی‌گراد توافق صورت گرفته است. توافق‌نامه تنها در صورت تصویب آن از جانب ۵۵ عضو کونانسیون که سهم ۵۵٪ صدور گازهای را داشته باشند لازم‌الاجرا می‌گردد.

قطع نظر از نظریه‌های متضاد در باره‌ی عوامل و اثرات آن، در محسوس بودن تغییر اقلیم و تاثیر آن بالای محیط زیست، مخصوصاً در کشورهای رو به انکشاف مانند افغانستان شکی وجود ندارد. افغانستان مانند سایر کشورهای رو به انکشاف فاقد ظرفیت، تکنولوژی، و زیربنای پایسته برای کاهش اثرات ناشی از حوادث طبیعی شدید مانند خشکسالی و سیلاب‌ها است. مزید بر این، افغانستان عمدتاً کشور زراعتی است، و زراعت یکی از آسیب‌پذیرترین سکته‌های اقتصادی در مقابل حوادث متذکره می‌باشد. روی این ملحوظ، بالا بردن ظرفیت و تامین دسترسی مردم - مخصوصاً روستائینان - به خدمات به‌خصوص برای سازگاری با اثرات و حوادث ناشی از تغییر اقلیم امری حیاتی برای انکشاف افغانستان تلقی می‌شود. مطالعات بالای سناریوها تغییر اقلیم در افغانستان افزایش تا ۴ درجه‌ی سانتی‌گراد تا سال ۲۰۶۰ میلادی و کمایش در میزان بارش را پیش‌بینی کرده است. همچنان، افزایش در پسماند وقوع خشکسالی و تاثیرات کمایش در سطح آب دریاها بالای ساختارهای کوچک و سستی آبیاری، سکته زراعت را به تهدید مواجه ساخته است.

باوجود مخالفت عده‌ی انگشت‌شمار، اکثریت بالای سرمایه‌گذاران روی ساختن ظرفیت‌ها برای سازگاری با اثرات تغییر اقلیم تاکید کرده‌اند. به اساس مطالعه‌ی بانک انکشاف آسیایی، هر یک دالری که امروز روی سازگاری اقلیم هزینه می‌شود، تا سال ۲۰۳۰ میلادی تا ۴۰ دالر بازدهی اقتصادی خواهد داشت.

در عین‌حال راهکارهای مختلف سازگاری اقلیم وجود دارد. تفاوت این راهکارها در وضعیت جغرافیایی و اقلیمی کشورهایی

موضوع تغییر اقلیم که در اوایل قرن نوزدهم میلادی به‌میان آمد، در چند دهه‌ی اخیر به یک بحث حاد، جنجالی، و قطعی‌ساز جهانی مبدل گشته است. دلیل اصلی این جنجال به عوامل تغییر اقلیم از جمله صدور گازهای سبزخانه‌ی یا Greenhouse Gas Emissions مانند کربن‌دای‌اکساید ناشی از مصرف انرژی عمدتاً در صنعت، ارتباط می‌گیرد. مختصراً، جمع شدن بیش از اندازه‌ی این نوع گازهای در اتمسفر زمین انرژی بیشتر از ضرورت آفتاب را بر روی سطح زمین نگه می‌دارد که در نتیجه‌ی آن درجه‌ی حرارت اوسط زمین افزایش می‌یابد. هر چند اقلیم در گذشته‌های دور و قبل از انقلاب صنعتی به‌شکل طبیعی در تغییر بوده است، تحقیقات علمی ثابت کرده است که تغییر غیر طبیعی اقلیم را نمی‌توان به عوامل طبیعی ارتباط داد بلکه این تغییرات عمدتاً برخاسته از مصرف مواد سوخت فسیلی یا Fossil Fuel اند.

باوجود افزایش حرارت کره‌ی زمین و تغییرات محسوس و نامانوس در اقلیم، هنوز هم برخی دلایل مختلف تغییر اقلیم را افسانه و حتا «شوخی فریب‌آمیزی Hoax» بیش نپنداشته و بدین باورند که این تغییرات همانند گذشته عوامل غیر طبیعی نداشته و به مرور زمان توسط خود زمین منظم می‌شوند. این طبقه محدود به سیاستمداران و صاحبان شرکت‌های تولیدی چندملیتی محدود نیست؛ برخی از دانشمندان عرصه‌ی تغییر اقلیم نیز به همین باورند. تعدادی از این طبقه بدین باورند که در واقع افزایش در تولید کربن‌دای‌اکساید باعث رشد بعضی از گیاهان و حیوانات می‌شود.

در بعد چارچوب‌های نهادی و حقوقی موضوع تغییر اقلیم، باید اندکی به جنبه‌های اقتصادی و سیاسی پرداخت. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسأله در این خصوص کونانسیون ملل متحد برای تغییر اقلیم یا United Nations Framework Convention on Climate Change UNFCCC است که در سال ۱۹۹۲ که در نتیجه‌ی مذاکرات کمیته‌ی بین‌الحکومتی برای مذاکرات Intergovernmental Negotiating Committee ترتیب و در سال ۱۹۹۲ میلادی تصویب شد. هدف اساسی این کونانسیون نگهداشت اندازه‌ی صدور گازهای سبزخانه‌ی در حدی است که از «تداخل خطرناک انسانی در سیستم اقلیم» جلوگیری شود. کونانسیون همچنان کشورهای انکشاف‌یافته را که بیشترین سهم صدور گازهای سبزخانه‌ی را دارند مکلف به کمک مالی برای کشورهای رو به انکشاف غرض دست یافتن به اهداف درج کونانسیون ساخته است؛ بعداً در یکی از کنفرانس‌های نوبتی

که در آن تطبیق می‌شوند، نهفته است. با این‌حال، در مجموع این راهکارها را بر اساس نمونه‌گیری از کشورها و اوضاع مختلف متذکره، می‌توان در چند کتگوری مشخص دسته‌بندی کرد.

کار بالای ساختارها و تکنولوژی مقاوم در برابر اثرات تغییر اقلیم -چه از نوع طبیعی مانند غرض اشجار- و غیر آن مانند اعمار و استحکام سیستم‌های مدرن و مقاوم آبیاری و حفاظتی مانند دیوارهای استنادی کنار دریاها و کانال‌های آبیاری؛ ظرفیت‌سازی ادارات دولتی و اشخاص در زمینه‌ی جمع‌آوری و تکثیر معلومات درباره‌ی تغییر اقلیم و اثرات آن، و ساختار سیستم‌های مربوط به آن و مطالعه و تطبیق معیشت‌های بدیل زراعت و سایر سکته‌هایی که معروض به خطرات اثرات تغییر اقلیم و فشار ناشی از آن‌اند، از جمله این راهکارها می‌باشند.

افغانستان در سال ۱۹۹۲ عضویت کونانسیون ملل متحد برای تغییر اقلیم را امضا نموده و آن را در سال ۲۰۰۲ تصویب کرد، و در سال ۲۰۱۳ پیمان کیوتو را تصویب نموده و در همان سال آن را لازم‌الاجرا قرار داد. برنامه‌ی عمل ملی سازگاری (با تغییر اقلیم) National Programme of Action for (Adaptation) (NAPA) سند راهنما برای فعالیت‌های سازگاری در سطح ملی است، که در آن به ساختن ظرفیت افغانستان برای اجرای تعهدات آن در کونانسیون‌های بین‌المللی با در نظرداشتن چالش‌ها و فرصت‌ها پرداخته شده است. مسئولیت رهبری، تنظیم و هماهنگی برنامه‌های محیط‌زیستی از جمله سازگاری با تغییر اقلیم به‌دوش اداره‌ی ملی حفاظت محیط زیست یا National Environment Protection Agency (NEPA) است. در بخش سازگاری با تغییر اقلیم به‌خصوص، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در هماهنگی با NEPA و با همکاری برنامه‌ی انکشافی ملل متحد United Nations Development Programme UNDP) نخستین برنامه‌ی سازگاری در افغانستان را تحت تطبیق دارد. این برنامه تحت‌نام سازگاری با تغییر اقلیم Climate Change Adaptation Project (CCAP) توسط صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست (Global Environment Facility (GEF) تمویل می‌گردد و اهداف مشخص آن را ادغام و شمول تغییر اقلیم و خطرات متوقعه از آن در پروسه‌ی پلان‌گذاری محلی، معرفی و تطبیق معیشت‌های متفاوت و بدیل برای روستائینان معروض به خطرات متوقعه‌ی تغییر اقلیم، و ساخت و احیای زیرساخت‌های شمر جهت افزایش محصولات زراعتی تشکیل می‌دهد.

در خاتمه باید به اهمیت اعتدالی موضوع تغییر اقلیم به سطح ملی در جوکات برنامه‌های انکشاف هم‌گیر تاکید کرد. ظرفیت‌سازی مردم و ادارات مربوطه‌ی دولت، ایجاد مراجع و مجراهای آگاهی‌دهی، جمع‌آوری و تکثیر معلومات در رابطه به مدل‌های تغییر اقلیم و راه‌های مبارزه با آن، و ترویج و تطبیق زیرساخت‌ها و تکنولوژی‌های محلی و ارزان مانند غرض درخت و نباتات از جمله اولویت‌هایی به‌شمار می‌روند که حکومت باید با استفاده از فرصت‌های موجود و وفور منابع مالی از طرف جامعه‌ی بین‌المللی برای مبارزه با اثرات تغییر اقلیم، در حمایت و توسعه‌ی آن سعی بورزد. فراتر از آن، حکومت باید روی استراتژی مشخص برای سبزی‌سازی شهرها، احیای جنگلات و جلوگیری از تخریب بی‌رویه‌ی ساحات علفچر که همه به کاهش اثرات و سازگاری با تغییر اقلیم کمک می‌کند، کار کند.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

zaki.daryabi2@gmail.com | jawad.najee@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی
 معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
 سردبیر: جواد ناجی
 دبیر خبر: عصمت الله سروش
 گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
 ویراستار: عمران راتب
 صفحه‌آرا: هادی دریایی
 بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
 ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
 آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
 شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶
 مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲
 چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

گیگز: واقعا نگران لیورپول هستم

بازیکن و مربی ولزی سابق منچستریونایتد از قدرت زیاد لیورپول در فصل جدید رقابت‌های باشگاهی ابراز نگرانی کرد. رایان گیگز که تا پایان بهار به عنوان کمک مربی در اختیار منچستریونایتد بود، از قدرت‌نمایی لیورپول در فصل جدید همراه با «یورگن کلوپ» مربی آلمانی‌اش ابراز نگرانی کرد.

وی در یک مصاحبه اینترنتی اظهار داشت: به عنوان یک هوادار منچستریونایتد، واقعا نگران لیورپول هستم. چون تصور می‌کنم آنها بسیار مناسب و معقول خرید کرده و فوتبال اروپایی را مد نظر قرار دادند.

او ادامه داد: آنها یک هفته را برای آماده‌سازی مسابقات انجام دادند. از این جهت تا حدی نگران قدرت‌نمایی آنها هستم.

به اعتقاد این چهره، تیم آنفیلدی می‌تواند رقیب سرسختی برای همه بزرگان لیگ برتر در فصل جاری باشد.

لیورپولی‌ها شب گذشته در نخستین هفته از فصل جدید لیگ برتر با نتیجه ۴ بر ۳ آرسنال را مغلوب کردند.

رومینیکه: هواداران دورتموند نمک شناس هستند

کارل هاینتز رومینیکه، نایب رئیس باشگاه بایرن مونیخ از رفتار نمک شناسانه هواداران دورتموند در قبال هوملس انتقاد کرد.

بایرن شب گذشته مقابل دورتموند در سوپرکاپ آلمان قرار گرفت و موفق شد ۲-۰ این تیم را شکست دهد. مت هوملس که در تابستان از دورتموند به بایرن منتقل شد، مورد انتقادات بسیاری قرار گرفت و هر بار که پا به تو شد، سوت های اعتراضی هواداران به گوش می‌رسید. پس از بازی رومینیکه به انتقاد از رفتار هواداران دورتموند پرداخت.

او گفت: هواداران دورتموند نمک شناس هستند. اینکه بازیکنی که تمام تلاشش را برای باشگاهتان انجام داده را هو کنید یک فاجعه است.

هوملس اولین انتقالی از دورتموند به مقصد بایرن نیست. پیش از او ماریو گوتزه و لواندوفسکی نیز از دورتموند جدا شده و به بایرن پیوسته بودند که آنها نیز واکنش خوبی از هواداران زرد و مشکی پوشان نگرفتند. با این حال گوتزه پس از ۳ فصل ضعیف به دورتموند بازگشت و به نظر دورتموندی‌ها او را بخشیده اند.

لمپارد: چلسی با کونته مدعی قهرمانی است



فرانک لمپارد، ستاره سابق چلسی معتقد است که آنتونیو کونته، سرمربی ایتالیایی این تیم بهترین گزینه برای بازگرداندن چلسی به روزهای اوج است.

لمپارد تا به حال ۳ بار با چلسی فاتح لیگ برتر شده است و در حال حاضر، در نیویورک سیتی مشغول به فعالیت است.

کونته نیز موفق شد بعد از چند سال ناکامی، سه بار پیاپی یونوتوس را فاتح رقابت های سری آ بکند.

لمپارد گفت: سالهای سال در چلسی بازی کرده ام و به این تیم وفادار بودم. به خاطر علائق شخصی دوست دارم که چلسی فاتح لیگ برتر شود و دوباره به جمع بزرگان بازگردد. البته معتقدم که منچسترسیتی نیز از مدعیان کسب عنوان قهرمانی محسوب می‌شود.

با پیرلو در مورد کونته صحبت کرده ام و چیزی جز تمجید شنیده ام. او در تمرینات به سختی تلاش می‌کند و تیمش را از لحاظ بدنی آماده مسابقات فصل می‌کند. از نوع رفتار کونته در مسابقات یورو بسیار لذت بردم. به جدیت و جنگندگی تیم او بسیار علاقمند شدم و فکر می‌کنم این همان نکته ایست که چلسی به آن نیاز دارد.

کاکا: رونالدو استثنایی است

کاکا، هافبک سابق میلان و رئال مادرید به تمجید از کریستیانو رونالدو، هم تیمی سابقش پرداخت.

رونالدو در سال جاری با رئال مادرید و تیم ملی پرتغال موفق شد به قهرمانی اروپا برسد و عملکرد خوبی نیز از خود به جای گذاشت. حال کاکا که در رئال مادرید هم تیمی رونالدو بود، به تمجید از ستاره پرتگالی پرداخت.

او گفت: او فوق العاده است. هر سال نشان داده می‌تواند خودش را شکست دهد. هر سال انگیزه لازم برای پیشروی را دارد، اینکه گلزنی کند و بهترین بازیکن جهان شود. گاهی وقتی چیزهای زیادی در فوتبال می‌برید، باعث کند شدن سرعتتان می‌شود و افت می‌کنید و انگیزه لازم را می‌گیرید. لوی او مثل مسی فوق‌العاده است. این دو به همه نشان داده اند که هنوز هم می‌خواهند برنده باشند و این فوق‌العاده است.

پیرلو: پوگبا، مسی و رونالدو را کنار خواهد زد

آندره آ پیرلو معتقد است که هم تیمی پیشین او در یونوتوس، بهزودی لیونل مسی و کریستیانو رونالدو را کنار خواهد زد و بهترین بازیکن جهان می‌شود. منچستریونایتد در این تابستان سرانجام موفق شد پل پوگبا را از یونوتوس به خدمت بگیرد، بازیکنی که بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ در جمع شیاطین سرخ بود، اما به دلیل اینکه سرالکس فرگوسن به او اعتقادی نداشت به عنوان بازیکن آزاد از این تیم جدا و در یونوتوس رفته‌رفته به ستاره‌ای جهانی تبدیل شد. پوگبای ۲۳ ساله در زمان حضورش در منچستریونایتد تنها هفت بازی رسمی برای شیاطین سرخ انجام داد که همه آنها هم به عنوان بازیکن جانشین بود.

در سالی که منجر به جدایی پوگبا از من یونایتد شد، سرالکس فرگوسن با پیشنهاد افزایش دستمزد این فوتبالیست ۱۸ ساله به چیزی حدود ۱۵ هزار تا ۲۰ هزار پوند مخالفت کرد و به نوعی کلید جدایی او را از این تیم زد. حالا شیاطین سرخ با رکوردشکنی نقل و انتقالات فوتبالی جهان در ازای ۹۰ میلیون پوند این هافبک فرانسوی را به اولدترافورد بازگردانده‌اند.

پیرلو که بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ در یونوتوس حضور داشت و سابقه بازی در کنار پوگبا را دارد، گفت: روز اولی که پوگبا در تمرینات یونوتوس حضور پیدا کرد، بازیکنان تیم همه خنده‌شان گرفته بود. دلیل خنده ما تنها به این دلیل بود که باورمان نمی‌شد باشگاهی همچون منچستریونایتد بازیکنی با این همه توانایی را مفت از دست داده باشد. فکر می‌کنم یونوتوسی‌ها هنوز هم دارند به این موضوع می‌خندند.



او اضافه کرد: هیچ وقت اولین روزی را که پوگبا با ما در یونوتوس تمرین کرد، فراموش نمی‌کنم. او بازیکن جوانی بود، اما می‌شد دید که چقدر خاص است. بعد از پایان همان جلسه تمرینی اول بود که جان لوئیجی بوفون به سمت من آمد و با خنده گفت: واقعا منچستریونایتدی‌ها به این راحتی و مفت پوگبا را از دست دادند؟

نمی‌خواهم بگویم که یونوتوس می‌خواسته اجازه جدایی پوگبا را بدهد. آنها قطعاً چنین قصدی نداشته‌اند، اما به هر حال شرایط طوری رقم خورد که این انتقال به سود یووه بود. آنها بازیکن باکیفیتی را مفت به دست آوردند که در طول چهار فصل نقش بسزایی در قهرمانی یونوتوس داشت و در نهایت هم او را ۹۰ میلیون پوند فروختند. از هر طرف که نگاه کنید، یونوتوس معامله فوق‌العاده‌ای انجام داد.

بازیکن خط میانی تیم فوتبال نیویورک سیتی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: به هر حال منچستریونایتد هم بازیکنی را خرید که در پست خود در جهان بهترین است و به طبع پوگبا می‌تواند تا ۱۰ سال آینده بهترین بازیکن در پست خود باشد. پل بهترین بازیکن جوانی است که تا کنون دیده‌ام و اگر او را بهترین بازیکن جهان بخوانیم، خیلی بیراه نگفته‌ایم. درست است که در سال‌های اخیر رقابت برای بهترین بودن بین لیونل مسی و کریستیانو رونالدو بوده، اما فوتبال جهان باید خودش را برای ورود پادشاه جدیدش آماده کند.



آرسنال؛ فصل جدید و مشکلات قدیمی

دیگر از سوی هواداران آرسنال به شدت شنیده شد. آرسنال یک بار دیگر در جذب یک بازیکن تاثیرگذار در بازار نقل و انتقالات تابستانی ناکام مانده است. اگر آنها قصد دارند با رقبای تقویت شده خود مبارزه کنند، باید در مدت زمان باقیمانده بازار تابستانی چاره ای بیندیشند.

کاملاً مشخص است که رقابت برای قهرمانی در لیگ برتر نسبت به فصول گذشته سخت تر شده است و روی کاغذ، حداقل شش مدعی اصلی برای کسب عنوان قهرمانی وجود دارد و اگر ونگر سودای نتیجه گیری در سر دارد، باید حداقل ۲ بازیکن در کلاس جهانی به ترکیب آرسنال طی دو هفته آینده اضافه کند.

البته به غیر از مسائل مربوط به بازار تابستانی، سوالات مهم دیگری در مورد این شکست، ذهن هواداران آرسنال را به خود مشغول کرده است. چرا در حضور بازیکنانی مثل الکسیس سانچز و آرون رمزی، تنو والکات پشت ضربه پنالتی قرار رفت؟ چرا جونل کمپل علیرغم بازی های درخشان در پیش فصل، در لیست آرسنال برای جدال با لیورپول قرار نگرفت؟

آیا میدان دادن به راب هولدینگ ۲۰ ساله در قلب خط میانی، در حالیکه هنوز تجربه بازی در لیگ برتر را نداشت، تصمیمی منطقی بود؟ آیا ناچو مونرال قادر به بازی کردن در پست دفاع میانی نبود؟

البته شکست دیروز، چند پیام روشن نیز برای آرسن ونگر به همراه داشت. تنو والکات با گلی که به ثمر رساند، نشان داد که می‌تواند در فرم اصلی خود به میدان برود. همچنین چمبرلین با درخشش در نیمه دوم نشان داد که لیاقت حضور در ترکیب اصلی آرسنال را دارد. البته با نتیجه ای که در تابلو اعلانات ورزشگاه خانگی توپچی‌ها ثبت شد، هیچ کدام از این اتفاقات به چشم تماشاگران آرسنال نخواهد آمد.

قطعا صدای سوت تماشاگران در انتهای بازی بر علیه ونگر، برای اولین بار در ورزشگاه امپریتس شنیده نشده است. نمایش دیروز آرسنال تقریباً از هفته‌ها پیش قابل پیش بینی بود. آنها برای حضور در بین مدعیان قهرمانی باید تقویت شوند تا بتوانند بلندپروازی لازم برای قهرمانی در لیگ برتر را در خود ببینند.

ونگر هنوز هم برای تقویت تیمش در تابستان زمان دارد و هواداران آرسنال امیدوارند تا نمایش دیروز آنها، زنگ خطری جدی برای ونگر قلمداد شده باشد. با ترکیب فعلی، آرسنال فصل جدید هم با همان مشکلات قدیمی پا به مسابقات لیگ برتر گذاشته است.

فصل جدید برای آرسنال باز هم با تکرار همان مشکلات قدیمی آغاز شد. وقتی که در ابتدای فصل نقل و انتقالات تابستانی، گرانت زاکا با ۵ میلیون یورو به جمع توپچی‌ها پیوست، بسیاری از هواداران این تیم در انتظار تابستانی هیجان انگیز و ورود بازیکنانی بزرگ به رختکن آرسنال بودند. اما در عوض، آرسنال تقریباً فعالیتتی در تابستان نداشت و بی تجربه‌ی بازیکنان ترکیب اولیه آرسنال در بازی افتتاحیه، کاملاً به چشم می‌خورد. آرسنال هرگز با این زوج خط دفاعی در لیگ برتر شرکت نکرده بود.

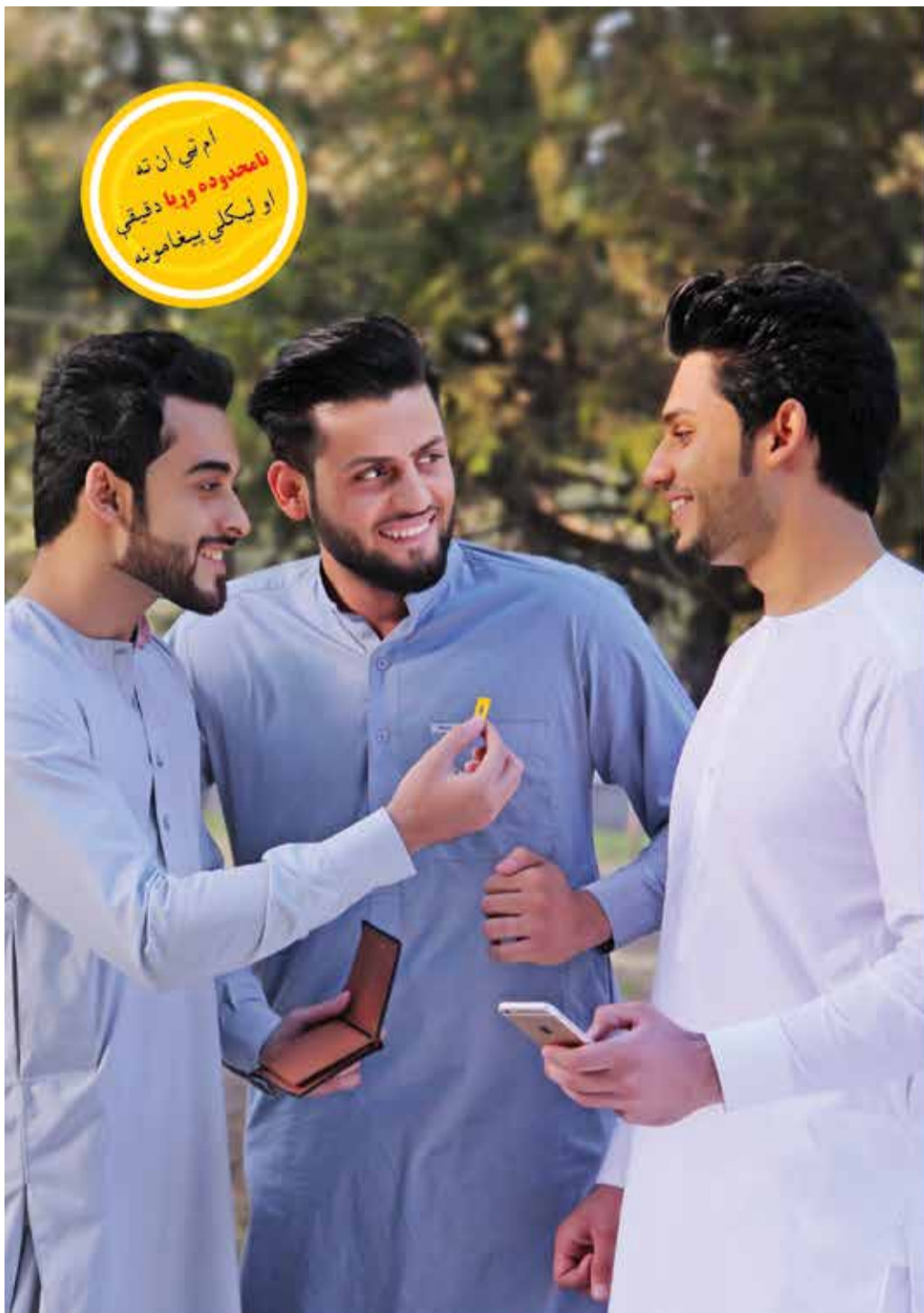
اگرچه بحث عدم توفیق توپچی‌ها در فصل نقل و انتقالات، مرکز ثقل صحبت های آرسنالی‌ها بعد از شکست ملال انگیز برابر لیورپول بود، اما نباید برتری تاکتیکی یورگن کلوپ بر پرسابقه ترین مربی لیگ برتر را نیز نادیده گرفت. کلوپ و دستیارش، زلیکو بواج، در طول بازی مدام در منطقه فنی مریشان بالا و پایین می‌می‌پریدند و تاکتیک های کار شده را به بازیکنانشان گوشزد می‌کردند تا به قلب دفاع جوان آرسنال حمله ور شوند. احتمال زیادی وجود دارد که شکوردان مصطفی، مدافع ۲۴ ساله والنسیا طی روزهای آینده به جای پرمرته تاکر و گابریل مصدوم جذب شود، اما حتی حضور او هم نمی‌تواند ضامن امنیت منطقه دفاعی شاگردان ونگر باشد. غیبت بازیکنان مهمی مثل اوزیل، ژيرو و کوشیلینی نیز می‌تواند در زمره دیگر بهانه های ونگر برای توجیه این شکست سنگین قرار بگیرد.

اگرچه آرسنال یک بار دیگر توانایی های خود را برای بازگشت به بازی، با زدن ۲ گل بعد از نتیجه ۱-۴، نشان داد اما انگار آنها فقط زمانی می‌توانند بازی خوبی از خود ارائه بدهند که تحت فشار قرار بگیرند.

بعد از سال ۲۰۰۹ و دیدار برابر چلسی، لیورپول تبدیل به اولین تیمی شد که موفق شد ۴ گل در ورزشگاه امپریتس به ثمر برساند و کوتینیو با بازی درخشان و به ثمر رساندن دو گل، می‌تواند شخصیت اول این نمایش درخشان لقب بگیرد.

دادن ۱۹ پاس متوالی و نفوذ غیرقابل مهار سیدو مانه به قلب دفاع آرسنال در صحنه گل چهارم را می‌توان کلاس آموزشی بسیار خوبی با سرفصل فوتبال هدفمند، برای آرسنال تلقی کرد. هر دو تیم، نتایج خوبی در مسابقات پیش فصل گرفته بودند اما کاملاً مشخص بود که برتری ۰-۴ مرسی سایدی‌ها برابر بارسا، بسیار چشمگیرتر از پیروزی خفیف آرسنال برابر منچسترسیتی است.

اعتراض به اجرای سناریو تکراری "صرفه جویی در مسائل مالی" به کارگردانی آرسن ونگر، یک بار



ام تی ان ته نامحدوده وریا دقیقې او لیکلې پیغامونه

خپل ام تی ان سیمکارت مو بیا فعال کړئ!

نامحدوده وریا اړیکې او لیکلې پیغامونه ترلاسه کړئ

که تاسو د ۱۳۹۵ کال د غوښي له ۲۱ نېټې راهیسې خپل ام تی ان سیمکارت نه وي کارولی، ۵۰ افغانۍ یا پر کړېدې په خپل حساب کې اضافه او د ام تی ان شمېرو ته نامحدوده وریا اړیکې او لیکلې پیغامونه د ۱ ورځې اعتباري مودې لپاره ترلاسه کړئ. همدا راز کولای شئ چې د ام تی ان په ځانګړې ورځنۍ یکسره کې ګډون وکړئ او د ۵ افغانیو لګښت په بدل کې د یوې ورځې لپاره د ام تی ان شمېرو ته ۱۰۰ وریا دقیقې او ۱۰۰ وریا لیکلې پیغامونه ترلاسه کړئ.

د ګډون لپاره، همدا اوس کړېدې زیات کړئ

د وړاندیز نوم	تعداد	ام تی ان له لیکلې پیغامونه	د وریا کړېدې د معلوماتو طریقه	د وریا بکسې اختیار موده	غیر فعالول	تومات بیا لوی کول
د ننه راغلل بګڼه	۵۰ افغانۍ یا ۱۰۰ دقیقې	۱۰۰ لیکلې پیغامونه	۰۷۸۹۱۳۳۴	همدا ورځ	نشته	نه
ځانګړې ورځنۍ بګڼه	۱۰۰ دقیقې	۱۰۰ لیکلې پیغامونه	۰۷۸۹۱۳۳۵	همدا ورځ	۰۲۲۱۱۲۵	خو

* د مناسبې کارونې تګلاره د پلي کېدو وړ ده



د لار زیاتو معلوماتو لپاره له ۷۷۹ شمېرې سره اړیکه ونیستئ. د سیمکارت لیکونو اړین دي.
www.mtn.com.af | MTN.Afghanistan | @MTNAF
LinkedIn | MTN Afghanistan | MTNAF

په هرځای کې له تاسو سره

د آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

Facebook.com/flyariana | +93(0)777071333
ariana.afghan.ariana | +93(0)700071333
twitter.com/flyARIANAafghan | +93(0)790071333
youtube.com/user/flyariana | +93(0)786071333
www.flyariana.com | info@flyariana.com



۹۷مین سالگرد جشن استرداد استقلال
به عنوان یک جشن پرافتخار و غرور آفرین
به مردم و دولت افغانستان مبارک باد



شرکت سیاحتی و توریستی یاس نماینده رسمی شرکت هوایی ماهان ایر جدیداً پرواز ترانزیت از طریق کشور ایران را با نازل ترین نرخ در بازار افغانستان شروع نموده است. قابل ذکر است؛ که مسافرین محترم میتوانند بدون اخذ ویزا ترانزیت ایران، بمدت ۲۴ ساعت در میدان هوایی ایران مقیم شوند.

شروع قیمت، مسیرهای بین المللی شرکت ماهان ایر

مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه	مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه	مسیر	قیمت یکطرفه	قیمت دوطرفه
کابل- تهران- آلماتا	\$489	\$635	کابل- تهران- ایروان	\$412	\$825	کابل- تهران- دولسدورف	\$415	\$992
کابل- تهران- بيجينگ	\$644	\$724	کابل- تهران- کیف	\$395	\$803	کابل- تهران- انقره	\$377	\$547
کابل- تهران- شانگهای	\$644	\$724	کابل- تهران- مونیخ	\$415	\$576	کابل- تهران- ایربیل	\$374	\$584
کابل- تهران- گانزو	\$629	\$724	کابل- تهران- میلان	\$531	\$581	کابل- تهران- نجف	\$413	\$865
کابل- تهران- بنکاک	\$578	\$1217	کابل- تهران- کوپن هاگن	\$498	\$595	کابل- تهران- دبی	\$369	\$478
کابل- تهران- کوالا لامپور	\$644	\$1170	کابل- تهران- پاریس	\$429	\$629	کابل- تهران- دمشق	\$418	\$836
کابل- تهران- دهلی	\$442	\$620	کابل- تهران- استانبول	\$397	\$544	کابل- تهران- مسکو	\$452	\$972